

## هشدار ۵ سندیکای فرانسه نسبت به خطر مرگ محمود صالحی

صفحه ۴



## زلزله در ایران؛ دیده بانان حیات انسان و معماران تخریب آن!

ثریا شهابی

تعرض به کارگر فعال، تعرضی است مستقیم به معیشت و قابلیت مبارزه و سازمان یابی طبقه کارگر... می خواهند برای کارگران صنایع کلیدی خط و نشان بکشند. در تعرض به محمود صالحی ها، جمهوری اسلامی حسابش را با کارگر شرکت نفت و برق روشن می کند. با کارگر معادنی که اگر بخواهند جمهوری اسلامی از نفس می افتد، تکلیفش را روشن می کند! با طبقه کارگری تکلیفش را روشن می کند که مبارزه اش به نفع پادرازی جمهوری اسلامی در منطقه و غریبه های عظمت طلبانه ناسیونالیسم طبقه حاکمه نیست؛ که سود آوری سرمایه را در ایران محدود می کند. این کل خاصیت تعرض جمهوری اسلامی است.

سکوت جایز نیست! تعرض به طبقه کارگر ممنوع! تنها تحرک یک جنبش سوسیالیستی در دل طبقه کارگر، تنها یک تکان کارگران صنایع کلیدی کافی است تا ورق را برگرداند!

کردند که نقش شان در ایجاد فاجعه تخریب مدارس و بیمارستان و خانه های پوشالی و رها شدن هزاران خانواده به امان خود در شب های سرد زمستان، و ماندن جنازه قربانیان روی دست بازماندگان شان را پنهان کنند. مردم اما مجرمین این تراژدی عظیم انسانی در ایران را خوب می شناسند! ... صفحه ۳

قیمت قربانی های بی شمار به نمایش گذاشت. برهوتی که در آن، از مقام معظم تا سلسله رئیس جمهورها و بسیج و سپاه و قوه قضاییه و مقننه، از اصلاح طلب شاغل و خانه نشین تا اصول گرا بازنشسته، هریک به نوعی تلاش کرد که نقش و مسئولیت مستقیم خود در ساختن جهنم بی حقوقی مردم ایران را پنهان کند! تلاش

زلزله در غرب ایران، صحنه های دردناک و تکان دهنده ای از مرگ، تخریب، بی خانمانی دهها هزار خانواده از مردم محروم در غرب ایران را به نمایش گذاشت. این زلزله بار دیگر برهوت بی مسئولیتی گفتارهای مفتخور و شکم پرور حاکم در ایران، که زندگی و امنیت و حیات مردم آخرین مشغله شان هم نیست، را به

## انسانیت در مقابل خشونت، طبیعت و بربریت حاکم!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

خجالت زده و لبخند و امید و دلگرمی را به زلزله زدگان هدیه دادند. یاد عزیزان از دست رفته را گرامی داشتند. مردم مصیبت زده ای که برای لحظاتی هم شده درد و غم عزیزانشان را فراموش کردند و کنار جاده ها با پلاکادهای در دست نوشتند: مردم، دوستان، از شما متشکریم! مردمان مصیبت زده ای که فریاد زدند، این نان ها و وسایل را به منطقه زهاب ببرید، ما نان داریم! و گفتند، آنجا بروید که همه خانه ها بر سر مردم فرو ریخته، همه کشته یا زخمی شدند ... صفحه ۲

کودکانی که قلکهایشان را خالی کردند و اسباب بازی هایشان را هدیه فرستادند، از خانواده هایی که وسایل خانه شان را تقسیم کردند، از اکیپ های پزشکی و پرستاران و دارو خدمات پزشکی تا مهندسان و تکنیسین های برق و آب رسانی و... که روانه مناطق زلزله شدند تا ... اینجا ایران است و روز و شبهایی که مردم زلزله را

اینجا ایران است! از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب انسانهایی که این شب و روزها نخوابیدند. از اصفهان و تهران و دماوند تا همدان و ارومیه و همه شهر و روستاهای کردستان و کرمانشاه، از کارگران چادرملو تا کارگران و آوارگان افغانی، تا کارگران نانواخانه های مریوان که شبانه روز کار کردند و نان پختند، از زن و مرد و پیر و جوان و

# آزادی، برابری، حکومت کارگری

## انسانیت در مقابل ...

اینجا ایران است. اینجا سرزمین جلوه های انسانی اتحاد و همبستگی و همدلی با قربانیان قهر طبیعت است. اینجا سرزمین قیام انسانیت علیه نژاد و قومیت و مذهب است.

و اینجا ایران است. سرزمین توحش و بربریت نظامی به نام جمهوری اسلامی. نظامی که این روزها میلیون ها انگشت اتهام به سویش دراز است. از مسکن مهری که بر سر ساکنینش خراب شد، از اعزام نیروهای سپاه و بسیج و ضد شورش اش بجای چادر و آمبولانس و پزشک و دارو

و نان و آب. از اعزام دزدان سرگردنه بگیر برای کج کردن سر کاروان های کمک به مرزهای عراق و سپردن به حشد شعبی آن طرف مرزها. از پنهان کردن آمار قربانیان و دست کشیدن از بیرون آوردن کشته های زیر آوار، از رها کردن زخمی ها و کشته ها در دامن مادران و پدران و سپردن زنده ها به

دست شبهای سرد پاییزی بدون سرپناه و گرما و نان و آب تا آنها هم بمیرند. از مصادره کمک های مردم و توزیع آن به نام سپاه و طلبه های قم و مشهد و آخوندهای بی حیا و شرم! از تبعیض بین انسان هایی که

از جانب آنها به کرد سنی، کرد شیعی، اهل حق و غیره تقسیم شدند. و فریاد مردمانی که غرق در خون و اندوه و لرزان از سرما فریاد زدند: دزدها! دروغگوها، قاتل ها! بی شرف ها! کشته هایمان را زیر آوار نگه داشتید تا آمارشان را مخفی کنید و بجای ۳ هزار نفر بگویید ۳۰۰ نفر کشته شدند. کمکهای مردمی و پتو و چادر و شیرخشک بچه هایمان را دزدیدید، ما را در سرما و گرسنگی و بی آبی تنها گذاشتید. ما را رها کردید تا بمیریم، پزشکان تان را به نجف و کربلا فرستادید و...

آری اینجا ایران است! سرزمینی با دوچهره و دو تصویر و شکاف و دره ای عمیق بین دژخیمی به نام حاکمیت و جامعه ای مملو از انسانیت. بین سپاه و بسیج با خیل وسیع مردم داوطلب که دارو ندارشان را با همنوعانشان تقسیم کردند.

مردم انساندوست بار دیگر با جلوه های با شکوهی از انسانیت و برابری، نشان دادند که شایسته نیستند چنین نظامی بالای سرشان حکومت کند. مردمی که نه از سر صدقه و خیرات، بلکه از سر انساندوستی و

همبستگی و همسرنوشتی بپا خاستند و در این روزهای سخت و نفس گیر دستهایشان را بهم دادند. دستهایی که پوسته ضخیم و کثیف قومیت و زبان و مذهب را دریدند و کنار زدند. این دست ها باید برای همیشه و تا پس گرفتن قدرت و نان و آب و داراییهای این سرزمین در دست هم و متحد بمانند.

مردم!

زنان، مردان، جوانان و

کودکان عزیز!

دوستان!

شما شایسته بیشترین قدردانی و الگوی انساندوستی و برابری طلبی برای کل بشریت هستید. و این تازه قطره ای از دریای عزم و اراده انسانی شما برای التیام درد و رنج زلزله زدگان امروز و برای ساختن دنیایی آزاد و امن و مرفه و خوشبخت برای همه شهروندان این مملکت است.

قربانیان زلزله نباید زمستان سرد و بی سرپناه و گرسنه و بی دارو را انتظار بکشند. گام بعدی فشار اجتماعی عظیم در شهرهای ایران و کردستان بر دولت است که نزدیک به یک میلیون انسان بی سرپناه را اسکان دهد. با سرعت و به فوریت مسکن

مناسب تا زمانی که خانه هایشان ساخته می شوند، فراهم گردد. روحانی بی شرم گفته ما به شما وام می دهیم و خودتان خانه هایتان را بسازید! این دهن کجی به قربانیان این فاجعه را نپذیرید و نبخشید. قربانیان را در سوگ عزیزان و در فقر و بی پناهی تنها نگذارید. از دولت غاصب همه داراییهایی مملکت بخواهید که خسارت کامل زلزله زدگان را بپردازد. خانه هایشان را بسازد و هزینه کامل زندگیشان را تامین کند. تنها بودجه یک سال

ارگانهای جاسوسی، یک سال بیت رهبری، یکی از زندانها و شکنجه گران و یک سال حزب الله برای این کار کفایت می کند. این گام بعدی است تا زمانی که کل داراییهای مملکت را از حلقومشان بیرون می کشیم و سرنوشت خود را با دستان خود می سازیم. تجارب آزادیخواهی و برابری طلبی و انساندوستی امروزتان را سرمایه حرکت های انسانی و اجتماعی و اتحاد خود برای ساختن آینده کنید. نگذارید این نسیم انسانی از وزیدن بیفتد. این نسیم باید به طوفان خشم ما علیه دشمنان دروغگو، قاتل و دزد تبدیل شود. یاد کودکان پرپر شده و همه

عزیزان از دست رفته را گرامی می داریم و فراموش نمی کنیم. مصیت دیدگان را تنها نمی گذاریم. فعالین کارگری و اجتماعی و همه شخصیت های انساندوست، می توانند کمیته های حمایت دایمی تر از زلزله زده ها در همه شهرها را تشکیل دهند تا مانند چتری از حمایت مستمر بر سر زلزله زدگان برپا بماند و به کمک و حمایت توده های میلیونی مردم شهرها تامین زندگی و امنیت و آسایش شان را از جانب دولت پیگیری کند.

زنده باد انسانیت!  
زنده باد اتحاد و همدلی و  
برابری

حزب کمونیست کارگری  
حکمتیست (خط رسمی)  
۲۵ آبان ۱۳۹۶  
۱۷ نوامبر ۲۰۱۷

## حکمتیست را

بخوانید!

آن را

توزیع و

پخش کنید!

# مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

## زلزله در ایران، ...

میدانند که امروز و در قرن بیست و یک، خدا و خشونت طبیعت در این فاجعه هیچ کاره است! درستی این ادعا را، موج اعتراض وسیع و سراسری مردم به دولت و بسیج و سپاه و هر شخص و نهادی که رنگ و نشانی از وابستگی به نظام دارد، و تحرک سراسری، دلسوزانه و مستقلانه مردم، به روشنی ثابت میکند. این فاجعه در دل خود، به موجی از تحرک انسانی و سراسری در کمک رسانی مستقل به زلزله زدگان، در میان مردم ایران دامن زد. جای خالی گفتارهای برهوت چپاول و بی مسئولیتی هیئت حاکمه ایران را، کمک های وسیع مردمی که درد زلزله زدگان را درد خود می دانستند، و کمک های وسیع، بی دریغ و سراسری مردم، این "دیده بانان" متحد حیات انسان، پر کرد! "دیده بان هایی" که با هر کمک و ارسال هر محموله و پیامی، هزاران بار اعلام کردند که از حاکمیت مستقل اند، و در دفاع از خود در مقابل حاکمیت، متحد اند!

در جامعه ای که "امنیت نظام"، این نظام ضدانسانی را به ضرب و زور بیش از سه دهه سرکوب شرط بقا و حیات مردم کرده اند، از منظر امروز مردم ایران هرگونه تداعی شدن با "نظام"، قبیح و شرم آور است! "خودی" ترین "خودی" های دیروز شان هم نمی خواهند با خودشان عکس بگیرند و یا با آن تداعی شوند!

بدنبال فاجعه زلزله غرب ایران، مردم از سراسر ایران دیوار سانسور را شکستند، با ابزار انزجار و نفرت از بی مسئولیتی دولت، سپاه و بسیج، خود راسا به میدان آمدند، و با کمک های بی دریغ انسانی و تدارکاتی، نقش و

مسئولیت خود را جایگزین بی مسئولیتی و مجرمیت حکومت، کردند. این واقعیت شورانگیز، فاجعه را برای بازماندگان قابل تحمل تر کرد. این حرکت از طرف دیگر تسیر آخر متحده و سراسری مردم به پای پوسیده و شکسته اعتماد آنها به جمهوری اسلامی ایران، و اعلام شجاعانه و با صدای رسا آن، بود! جمهوری اسلامی ایران تنها و تنها بر "هراس بیرونی"، بر هراس از باطلاق لیبی و سوریه و عراقیزه شدن، بر هراس از جنگ قومی و مذهبی در خاورمیانه، فجایعی که خود یک رکن اصلی ایجاد آن است، زنده است! تحرک متشکل، متحده و فعال مردم در دفاع از زلزله زدگان غرب ایران، بعلاوه شلیکی هم بر ارکان بقا این هراس بود!

## تحرک قوم پرستان

در چنین شرایطی که فشار فقر و محرومیت و بی افقی اقتصادی، انفجار اعتراض به فساد و دزدی دستجمعی باندها و دستجات حاکمیت، اعتراض به دخالت های میلیتاریستی در عراق و در خاورمیانه، به موج اعتراض و بی اعتمادی کامل به حاکمیت پیش از پیش دامن زده است! در شرایطی که توازن قوا به نفع مردم در حال تغییر است! در شرایطی که جوانه های اعتماد به نیروی مستقل، متحد و متشکل خود، بار دیگر در حال رشد است! علاوه بر مردم متحدی که فعالانه در دفاع از خود در مقابل حاکمیت صف کشیده اند، تحرکات دیگری، در مقابل و برای تخریب آن، در جریان است.

خبرگزاری ها میزده برگزاری نخستین "کنفرانس شورای دموکراسی خواهان ایران" در کلن در ۲۸ آبان امسال، که متشکل از دهها حزب و دسته و گروه و

سازمان ناسیونالیست و قوم پرست خواهان ایران قدراتیو است، را منتشر کردند! به همگان میزده دادند که: "در قطعه نامه پایانی نشست اعلام موجودیت این تشکل سیاسی، ضمن اشاره به ضرورت ایجاد یک آلترناتیو و جایگزین فعال برای گذر از نظام جمهوری اسلامی در ایران، بر حفظ یکپارچگی و وحدت ایران در چارچوب یک حکومت فدرال و ملی تأکید شده است"

صحبت آزادی و جدایی دین از دولت و حق برابر همگان، تعارفات رایج و برگه عبور اپوزیسیون هر حکومتی، بخصوص اپوزیسیون حکومت مذهبی چون جمهوری اسلامی ایران است! واقعیت، آینده ای است که این سازمان ها برای جامعه هشتاد میلیونی ایران در چشم انداز دارند و برای آن فعالیت می کنند!

"قومیت"، فدرالیسم قومی و تغییر تقسیمات جغرافیایی ایران بر مبنای قوم اجداد پدری، مهمترین و اصلی ترین رکن این شورا و آلترناتیو سازی برای گذر از جمهوری اسلامی ایران است. از حزب دمکرات کردستان شاخه هجری و باند قوم پرست عبدالله مهتدی، تا سازمان هم خانواده شورای ملی مقاومت یعنی "جبهه دمکراتیک ایران"، برای تغییر جغرافیای جمعیتی ایران، و مهندسی جغرافیای قومی و قبیله ای و طایفه ای و مذهبی، شال و کلاه کرده اند.

شال و کلاه کرده اند تا از فردای میدان دار شدن این "شورا"، هویت و "لیبل" سیاسی مردم، نهادها و احزاب و سازمان ها و شخصیت ها در ایران، از "کمونیست"، "فنیسیست"، "سوسیالیست"، "سکولار"، "لیبرال"، "تردینوسیست"،

"سوسیال دمکرات"، "سلطنت طلب"، "جمهوریخواه"، "چپ" یا "راست"، پاک شود! هویت ها باز تعریف شود! تا به مدل صدور "دمکراسی غربی" به "جامع عقب مانده و شرق زده"، بر پیشانی جریانات سیاسی و احزاب و نهادها و موسسات و میلیونها نفر از مردم، "مهر" "فارس"، "کرد"، "ترک"، "عرب"، "لر"، "بلوچ"، "شیعه"، "سنی" و ... کوبیده شود! برای همه شناسنامه قومی و قبیله ای صادر شود! بر مبنای آن، و با توافق رهبران خودگمارده قومی، محل زندگی، نوع زندگی، سطح زندگی، فرهنگ و سیاست و نوع حاکمیت، معلوم شود! نام این باطلاق قومی و قبیله ای را دمکراسی گذاشته اند! همان دمکراسی که اعقاب حزب دمکرات در کردستان عراق با شرکت در سازمان دادن عراق فدراتیو قومی و مذهبی، برای مردم در کردستان عراق و در عراق به ارمغان آوردند!

باید از این فرقه های قومی و قبیله ای پرسید که در فردای دمکراسی آنها در استان خراسان، مرز کرد و ترک و ترکمن و عرب و سیستانیها و بلوچهای خراسان از وسط کدام خانه و محله رد میشود؟ چند میلیون نفر باید به کجاها کوچ کنند و ساکن شوند! تا مرزهای استانی امروز به مرزهای قومی و قبیله ای تغییر کند!

از چه تاریخی شهروندان، برای کسب مجوز سکونت در کوچه و محله و شهر محل کار و زندگی شان، در مراغه یا بیرجند یا اصفهان یا میانه و مشهد و سنندج و مهاباد و میاندواب و گرگان و ...، باید شجره خانوادگی شان را حفاری کند تا شاید بتواند مدرکی دال بر تعلق قومی و قبیله ای بیابند! تا شاید

در اعماق نام عمه یا خاله ای که از آن شهر عبور کرده، احتمالا نوزادی آنجا صدسال قبل بدنیا آورده، را بیابد! تا شاید اجازه سکونت در شهر و محل زندگی اش را داشته باشد! تا بتواند ثابت کند که به قوم و قبیله حاکم در محل "متعلق" است.

این "شورا" و این سناریو در مقابل همان مردم متحد و همبسته ای است که در فاجعه زلزله در غرب ایران برای نجات شهروندان ایران، از کسی شناسنامه قومی و قبیله ای نخواستند و به یاری هم شتافتند. باید به تخت سینه این سناریو های "نجات"، دست رد گذاشت! تلاش برای ایجاد ایران فدراتیو، که چیزی جز نسخه تباهی و از هم پاشیدن شیرازه جامعه نیست، که چیزی جز نسخه راه اندازی نسل کشی های قومی و مذهبی و کوچ دادن های اجباری و ... نیست، را در نقطه عقیم کرد.

باید با دخالت مستقیم و متحده، در سیر فروپاشی جمهوری اسلامی، در مقابل تلاش های راست سوپر ارتجاعی بین المللی برای تغییر تقسیم جغرافیایی ایران بر مبنای قومی و قبیله ای، ایستاد.

ایران جامعه ای قومی و قبیله ای نیست. ایران جامعه ای صنعتی است که در آن طبقات، احزاب و سازمان های متعلق به طبقات با منافع سیاسی و اقتصادی متفاوت، سوخت و ساز میکنند. نسخه "تاخت زدن" حکومت مذهبی حاکم با سناریوی فدرالیسم قومی، و اعلام آن به عنوان پروژه آلترناتیو سازی برای آزادی ایران، نسخه لیبی و سوریه و عراقیزه کردن ایران است و در مقابل تلاش و مبارزه مردم ایران برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی است.

# نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

**نشریه هفتگی****حزب حکمتیست (خطر مرگ)****www.hekmatist.com**

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

**تلفن با حزب**

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

آقای صادق لایجانی، رئیس  
قوه قضائیه

uipp.fr

Solidaires :  
contact@solidaires.  
orgدفتر دائمی جمهوری اسلامی  
ایران در سازمان ملل متحدUNSA :  
emilie.trigo@unsa.  
org

ترجمه و پخش از :

همبستگی سوسیالیستی با  
کارگران ایران - فرانسهاتحاد بین المللی در حمایت از  
کارگران در ایران - پاریس

رونوشت به:

آقای حسن روحانی، رئیس  
جمهور

وضعیت سلامتی اش  
بسیار وخیم است. لذا انتقال  
فوری و بدون فوت وقت او به  
بیمارستانی در خارج از زندان  
امری مبرم و اجتناب ناپذیر  
است.

حبس صالحی، نظیر حبس  
دیگر کارگران زندانی تخطی از  
حقوق بشر و آزادی های اساسی  
سندیکایی است. جمهوری  
اسلامی ایران، به عنوان یک  
عضو سازمان جهانی کار،  
نشان داده که تعهدات خود در  
چارچوب توافق نامه های بین  
المللی سازمان جهانی کار، به  
ویژه حق کارگران ایران در ایجاد  
تشکلات مستقل را مراعات  
نمی کند.

ما، سندیکاهای فرانسه، لغو  
محکومیت های غیرعادلانه که  
مغایر با آزادی ها و حقوق  
اساسی بوده و نیز آزادی فوری  
و بی قید و شرط همه فعالان  
در بند که به خاطر فعالیت های  
سندیکائی و دفاع از حقوق به  
حق مزدگیران زندانی شده اند،  
به خصوص رضا شهابی و  
اسماعیل عبدی، را خواستاریم.  
ما از دولت ایران می خواهیم  
که معالجات و مراقبت های  
درمانی مناسب و شایسته  
محمود صالحی را تضمین کرده  
و هم چنین آزادی فوری و بی  
قید و شرط او را.

CFDT :  
preau@cfdt.frCGT :  
fabienne.cru@oran  
ge.frFSU :  
michelle.olivier@sn

## هشدار ۵ سندیکای فرانسه نسبت به خطر مرگ محمود صالحی

محکوم شده بود. او در روز  
شنبه ۲۸ سپتامبر هنگامی که  
از بیمارستان به خانه اش باز  
می گشت توسط چهار مأمور  
امنیتی در لباس شخصی  
دستگیر و مستقیماً به دادگاه  
شهر سقز در استان کردستان  
برده می شود. خاطر نشان می  
شویم که صالحی مجبور است  
که دو بار در هفته برای انجام  
دیالیز کلیه به بیمارستان  
مراجعه کند. در دادگاه  
دادستان به او می گوید که  
محکومیت اولیه اش به یک  
سال زندان تبدیل شده است که  
به فوریت باید اجرا شود. او را  
بلافاصله از دادگاه به زندان  
مرکزی شهر سقز منتقل می  
کنند.

محمود صالحی از بیماری  
کلیوی و نارسایی قلبی و خیمی  
رنج می برد که همگی ناشی از  
شرایط زندان سال ۲۰۱۵ و  
فقدان مراقبت های پزشکی و  
درمانی در زندان بودند. در ۳  
نوامبر در پی یک حمله قلبی  
در زندان، صالحی را به  
بیمارستان امام خمینی شهر  
سقز منتقل می کنند. پزشکان  
معالج وابسته به زندان گفته اند  
که صالحی باید تحت درمان  
دائمی قرار گیرد و از این رو  
نباید به زندان بازگردانده شود.  
در حال حاضر صالحی در زندان  
از معالجات و مراقبت های  
درمانی لازم برخوردار نیست و

ما، سندیکاهای فرانسه، لغو  
محکومیت های غیرعادلانه که  
مغایر با آزادی ها و حقوق  
اساسی بوده و نیز آزادی فوری  
و بی قید و شرط همه فعالان  
در بند که به خاطر فعالیت های  
سندیکائی و دفاع از حقوق به  
حق مزدگیران زندانی شده اند،  
به خصوص رضا شهابی و  
اسماعیل عبدی، را خواستاریم.  
ما از دولت ایران می خواهیم  
که معالجات و مراقبت های  
درمانی مناسب و شایسته  
محمود صالحی را تضمین کرده  
و هم چنین آزادی فوری و بی  
قید و شرط او را.

آیت الله سید علی خامنه ای  
رهبر جمهوری اسلامی ایران  
دفتر رهبری  
تهران، ایران

پاریس ۱۴ نوامبر ۲۰۱۷

**یک سندیکالیست در خطر  
مرگ**

عالیجناب

سازمان های سندیکایی  
فرانسوی س ا ف د ت، س ژ ت،  
اف اس او، سولیدر، او ان اس  
آ، توجه شما را نسبت به  
وضعیت محمود صالحی، یک  
رهبر سندیکایی که در زندان در  
خطر مرگ قرار دارد، جلب می  
کند.

در سپتامبر ۲۰۱۵ محمود  
صالحی به ۹ سال زندان تعلیقی

# زنده باد انقلاب کارگری!